



نظارت بر شرکت های بیمه تکافل در مالزی و ایران

سید محمد هادی ساعی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام خمینی (ره)

محمد الهی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی مؤسسه مدیریت و برنامه ریزی نهاد ریاست جمهوری

نماینده استانداری در نمایندگی وزارت امور خارجه استان قزوین

m.elahy63@gmail.com

چکیده

یکی از مهمترین الگوهای بیمه ای در دوران معاصر تکافل است که مبتنی بر فقه اسلامی مطرح گردیده و با وجود عمر کوتاه، جایگاه مناسبی در بازار بیمه در کشورهای اسلامی به دست آورده است. نظر به اهمیت شرکت های تکافلی در بیمه های اسلامی، در این مقاله سعی در تشریح نظام نظارتی حاکم بر این شرکت ها و چگونگی آن در کشور مالزی داریم و به دنبال تطبیق نظام نظارتی این شرکت ها در نظام نظارتی بر شرکت های بیمه هم از دیدگاه بیمه مرکزی ایران و هم از منظر حقوق تجارت می باشیم. شرایطی که باعث لغو مجوز شرکت های تکافلی می شود، مرجع لغو مجوز این شرکت ها، شرایط اعطای پروانه و ثبت شرکت تکافل، شرایط دارایی صندوق های تکافل، وظایف شرکت های تکافل، چگونگی تغییر در کنترل این شرکت ها، عدم صلاحیت مدیران و ناظران شرکت تکافلی و اختیارات تام بازرسی از جمله مباحثی است که در این نوشتار به آن می پردازیم.

واژگان کلیدی: سیستم نظارت صنعت بیمه تکافل، بازرسی شرکت های تکافل، لغو مجوز تکافل، عدم صلاحیت مدیران تکافل.



مقدمه

به منظور آشنایی بیشتر با سازوکار نظارت بر عملیات اجرایی شرکت های تکافل، به صورت متمرکز بر روی مواد اصلی قانون تکافل کشور مالزی بیان شده است. دلیل این امر آن است که هنوز قانونی مدون همچون قانون تکافل مالزی در کشورهای جهان به تصویب نرسیده است و اگر هم در کشوری همچون پاکستان چنین قانونی به تصویب رسیده است ولی آن قانون تنها موارد شکلی تکافل را بیان کرده است و در ماهیت تکافل و شیوه نظارت آن به قواعد قبلی مربوط به شرکت های بیمه خود ارجاع داده است که برای صاحب نظران چندان اهمیتی ندارد. قانون تکافل مالزی در فضای حقوق تجارت آن کشور و به منظور ارائه خدمات بیمه ای مبتنی بر فقه اهل سنت (در چارچوب الگوی تکافل) تصویب و اجرا گردیده است. آشنایی با این قانون می تواند در تدوین قوانین مشابه در ایران- با لحاظ اقتضائات قضایی و حقوقی کشور- موثر باشد. در این مقاله وجوه و ابعاد نظارت بر شرکت های تکافل بر اساس این قانون مورد تحلیل قرار گرفته و در مواردی اقتضائات حقوقی آن برای ایران مطرح شده است.

انواع شرکت های تکافل

شرکت های تکافل در کل به سه صورت TO و WTO و Bancatakaful در جهان به فعالیت می پردازند که به صورت مختصر به بررسی هر یک از آن ها می پردازیم.

الف) متصدیان تکافل به معنای خاص (TO)

این شرکت های تکافل به صورت واقعی شرکت تکافل می باشند که تنها به فعالیت تکافل می پردازند. این شرکت ها متصدی تکافل هستند و به نوعی متولی صندوق تکافل که شخصیت حقوقی دارد، می باشند. در ماده ۲ قانون مالزی تعریفی از متصدی تکافل آمده است که هم تمام شرکت ها و هم تمام موسسات را شامل می گردد و به این ترتیب دارا بودن شخصیت حقوقی برای متصدیان تکافل امر بسیار مهمی خواهد بود. شاید این امر به دلیل وجود مقررات خاص برای شرکت ها باشد که اگر شخصیت حقیقی داشته باشد بیمه مرکزی یا بانک نگارا در مالزی نتواند نظارت واقعی خود را بنماید.

اما این که در ایران چگونه باید باشند، می توان گفت که تنها شرکت های سهامی و تعاونی سهامی حق خواهند داشت به فعالیت بیمه ای بپردازند. بنابراین این گونه نیست که هر شرکتی بتواند به فعالیت تکافل در صنعت بیمه مبادرت بورزد.

متصدیان تکافل فرعی (WTO)

در مورد شرکت های تکافلی می توان گفت که بر اساس ماده ۱ قانون تکافل پاکستان که مقرر می دارد: «روزنه شرکت تکافل، بیمه گر به ثبت رسیده ای است که بر اساس این قانون (قانون تکافل) مجاز است فعالیت تجاری تکافل را به عنوان شرکت های تکافلی فرعی به همراه فعالیت بیمه ای مرسوم انجام دهد.» هر چند که این مورد تنها در قانون پاکستان مقرر شده است ولی در مورد بقیه کشورهایی که این نوع از بیمه در آن ها نیز وجود دارد، می باشد. این گونه از شرکت ها صرفاً دریچه ای به تکافل هستند و یکی از فعالیت های آن ها تکافل خواهد. البته وجه تمایز آن ها از شرکت های بانک تکافل (Bancatakaful) آن است که در دومی، فعالیت اصلی شرکت امور بانکی است ولی در این نوع از شرکت ها فعالیت اصلی شرکت بیمه است که برای افزایش بیمه گران تحت پوشش خود و دارا بودن تجربه بیمه گری، به فعالیت تکافل می پردازد. در ایران نیز تمام شرکت های بیمه می توانند بالقوه از این فعالیت ها بهره برند.



بانکاتکافل (Bancatakaful)

این شرکت ها همان طور که قبلاً اشاره شد، شرکت هایی هستند که به فعالیت های بانکی می پردازند و به دلیل شباهت فعالیت مضاربه ای آن ها در بحث سرمایه گذاری صندوق تبرع، به این فعالیت رو می آورند. اما دلیل این که چرا این شرکت ها اجازه فعالیت بیمه گری را دارند می توان دو چیز دانست: (۱) در کشورهای هم چون مالزی که فعالیت بیمه ای آن ها تحت فعالیت بانکی آن ها قرار دارد، ورود بانک ها هم به این فعالیت ها دور از انتظار نیست. (۲) کم شدن احتمال قرض گرفتن صندوق تبرع از صندوق شرکت تکافل.

اما از نظر متکافلان این فعالیت از ۴ جهت مفید خواهد بود: (۱) راحتی و سهولت؛ زیرا برای شروع فعالیت تکافل، متکافلان باید به بانک معلوم روند و در آن جا پذیره نویسی کنند و نیز جاهایی از فعالیت تکافل به خود بانک مربوط می گردد. (۲) فعالیت سرمایه گذاری و تجربه بسیار زیاد در این نوع از فعالیت و وجود ریسک بسیار کم در ضرر صندوق تکافل. (۳) شفافیت در این نوع از شرکت ها که نسبت به شرکت های نوع اول و دوم تکافل از درجه شفافیت بالایی برخوردارند و نظارت بیشتری بر آن ها وجود خواهد داشت. (۴) اعتماد متکافلان به بانک ها در وجود سود بعد از مدت معلوم در فعالیت بیمه ای.

این شرکت ها خود به سه قسمت تقسیم می شوند: الف) بانکاتکافل به معنای خاص ب) حق العمل کار ج) عامل؛

در حالت اول خود بانک شروع به فعالیت تکافل می پردازد و این بانکاتکافل واقعیت است. در حالت دوم بانک واسطه ای بین شرکت تکافل می شود و شرکت تکافل نمی خواهد متکافلان از وجود او با خبر شوند و این در حالی است که بانک محصولات تکافل را به نام خود عرضه می کند که معمولاً شرکت هایی به این کار دست می زنند که چندان معتبر نباشند. در حالت سوم شرکتی که وابسته به خود بانک است و این فعالیت را انجام می دهد و البته به نام خود بانک این محصولات را عرضه می کند.

تأسیس شرکت تکافل

برای این که عقد تکافلی منعقد گردد باید شرکتی به عنوان شرکت تکافل تأسیس گردد و طبق م ۴ قانون تکافل مالزی باید یا شرکت تجاری باشد (طبق قانون شرکت های سال ۱۹۶۵) و یا شرکت تعاونی باشد. به نظر می رسد همان طور که قبلاً هم اشاره شد، در ایران تنها شرکت های سهامی و تعاونی می توانند چنین مجوزی را از دولت اخذ کرده و به فعالیت تکافل بپردازند. تنها مشکلی که می ماند آن است که فعالیت تکافل به دو نوع تقسیم می گردد: الف) تکافل خانواده و ب) تکافل تجاری عام. شاید بتوان با استدلالاتی تکافل نوع دوم را تجاری محسوب کرد؛ ولی تکافل خانواده که اهدافی همچون تهیه وجوهی برای آموزش فرزندان، تأمین وجوهی برای حالت مرگ پیش از موعد راهن و حمایت از منافع شغلی در مقابل مرگ کارکنان کلیدی و غیره دارد به سختی می تواند جزء فعالیت های تجاری محسوب کرد. از سوی دیگر طبق بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت، عملیات بیمه بحری و غیربحری تجاری محسوب شده است و بنابراین اگر تفسیر موسع از ماده مذکور را بپذیریم بیمه تکافل نیز تجاری محسوب خواهد شد و هر نوع فعالیت تحت عنوان بیمه تکافل نیز باید تجاری محسوب شود؛ اما اولاً حقوق دانان تفسیر موسع از بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت را نمی پذیرند و صرفاً این بند را مطلق محسوب می کنند؛ زیرا بند ۳ و ۷ این ماده از ادات عام استفاده کرده است در حالی که در بند ۹ هم می توانست استفاده کند و چون استفاده نکرده است آن را مطلق مفروض کرده است و در اطلاق به قراین حالی و مقالیه مواردی که بیمه هستند ولی سودی در آنها وجود ندارد و یا به هدف سود تشکیل نمی شوند و سود در آنها داعی فرض می شود از شمول این بند خارج می شوند و مثلاً بیمه های اجتماعی از شمول این بند خارج می شوند.

به نظر می رسد بیمه های خانواده که بعضی آن را بیمه های زندگی ترجمه کرده اند نیز از شمول این ماده خارج باشند و تجاری محسوب نشوند؛ زیرا سود بیمه گر در آنها داعی مفروض می شود در حالی که قانون گذار مالزی طبق ماده ۳ بند ۱ این گونه



بیمه‌ها را تجاری محسوب کرده است، ثانیاً در این نوع از بیمه‌ها قصد تبرع نیز وجود دارد که شاید مزید بر علت باشد تا آن را غیرتجاری محسوب کنیم.

اما در مورد تکافل تجاری عام آیا می‌توان باوجود قصد تبرع باز هم چنین بیمه‌ای را تجاری فرض کرد؟ ماهیت فعالیت‌های تجاری کسب سود است و این مسئله در تمام ۱۰ بند مذکور ماده ۲ قانون تجارت مشهود به نظر می‌رسد می‌دانیم که مقداری از سرمایه بیمه‌گذار صرف صندوق تبرع می‌شود و وی باید قصد تبرع کند ولی از سویی مقداری از سرمایه خود را نیز صرف خرید امنیت می‌کند و یا شاید بتوان گفت به فعالیت مضاربه یا وکالت و یا می‌پردازد.

از سویی فعالیت مضاربه که غالب فعالیت‌های تکافل در قالب آن انجام می‌شود برای کسب سود می‌باشد و طبق نظر اکثر حقوق دانان می‌توان طبق م ۲۲۰ قانون تجارت کسانی که فعالیت مضاربه انجام داده و خود را به ثبت نرسانده‌اند هر چند قصد تشکیل شخصیت حقوقی را نداشته‌اند ولی به استناد عموم این ماده دارای شخصیت حقوقی خواهند شد باید پذیرفت که چنین فعالیتی تجاری است هرچند که در نظر بعضی استناد به م ۲۲۰ قانون تجارت و شرکت تضامنی دانستن آن وجهی نداشته باشد.

بنابراین با توجه به توضیحات قبلی که قصد اصلی طرفین را در شرکت تکافلی فعالیت مضاربه و ... دانستیم و قصد تبرع را شرط آن محسوب کردیم باتوجه به قراین قانون تکافل مالزی که ماده ۳ این قانون چنین فعالیتی را تجاری محسوب کرده است باید حکم به تجاری بودن شرکت تکافل از نوع تجاری عام دانست.

اما اگر تکافل خانواده را تجاری محسوب نکنیم به جز شرکت‌های سهامی هیچ شرکتی نمی‌تواند چنین فعالیتی را انجام دهد؛ زیرا برای این که شرکت‌های غیرسهامی بتوانند تأسیس شوند باید برای امور تجاری تشکیل گردند. اما اگر چنین بیمه‌ای را تجاری محسوب کنیم همه شرکت‌ها می‌توانند فعالیت زیرا انجام دهند. نکته دیگری که به نظر می‌رسد آن است که شرکت تکافلی می‌تواند هم تکافل خانواده را انجام دهد و هم تکافل تجارت عام را و بدین لحاظ منافاتی وجود ندارد.

تشکیل شرکت تکافلی

ثبت شرکت توسط مدیر کل تکافل

طبق ماده ۸ قانون تکافل مالزی تنها مرجعی که می‌تواند شرکت‌های تکافلی را ثبت کند مدیرکل تکافل خواهد بود و مرجعی مستقل از مرجع ثبت شرکت‌ها خواهد بود؛ که در ایران می‌تواند این مرجع توسط مدیر کل سازمان بیمه مرکزی تعیین گردد و البته به استناد ماده ۳۷ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری ثبت هرگونه شرکت بیمه‌ای معلق بر ارائه پروانه تأسیس توسط بیمه مرکزی خواهد بود و شرکت‌های بیمه تکافلی نیز از این ماده مستثنی نخواهند بود. حال باوجود بیمه مرکزی آیا نیازی به مدیرکل شرکت‌های تکافلی می‌باشد؟ آیا نیازی هست که همچون کشور مالزی سازمان مستقلی را برای بیمه‌های تکافلی در نظر گرفت؟ یعنی تمام شرکت‌های تکافلی را زیر نظر سازمان تکافل و سازمان مربوطه نیز زیر نظر بیمه مرکزی ایران باشد؟ از سویی می‌توان چنین پاسخ داد که لزوم وجود شورای فقهی در این شرکت‌ها، لازم است سازمان مستقل به نام سازمان تکافل ایران تأسیس شود تا توسط شورای فقهی مزبور به فعالیت خود ادامه دهد و این شورا نظارت کامل بر فعالیت همه شرکت‌های تکافلی داشته باشد و از سویی می‌توان پاسخ داد که اگر لزومی به وجود این شورا یا کمیته در ایران می‌باشد باید برای تمام شرکت‌های بیمه‌ای این کمیته تشکیل گردد که البته بیمه مرکزی در صدد تأسیس چنین کمیته‌ای می‌باشد ثانیاً این که در کشور مالزی چنین کمیته‌ای تشکیل شده است به این دلیل است که تمام شرکت‌های بیمه‌ای در این کشور زیر نظر بانک مرکزی خود می‌باشند در حالی که در ایران بیمه مرکزی وجود دارد و نیازی نیست که سلسله اداری عظیمی برای تأسیس شرکت‌های بیمه تکافلی که نهادی نوپا در کشور است ایجاد شود. بنابراین به نظر می‌رسد نیازی به



وجود شورای فقهی در خود شرکت‌های تکافلی در کشور ایران نباشد ولی وجود کمیته فقهی در بیمه مرکزی لازم است. دلیل دیگر بر این مطلب آن است که شرکت‌های بیمه‌ای دیگر نیز می‌تواند فعالیت تکافلی انجام دهند و حتی در قانون مالزی نیز این مورد مشکلی نخواهد داشت و دلیل دیگر آن است که با ایجاد کمیته فقهی برای شرکت‌های تکافل و عدم ایجاد کمیته برای دیگر شرکت‌های بیمه‌ای تمایزی ایجاد می‌شود که بلا مرجع خواهد بود.

درخواست کتبی بیمه‌گر تکافل

طبق بند ۳ ماده ۸ قانون تکافل مالزی هر شرکتی که بخواهد فعالیت تکافلی انجام دهد باید درخواست کتبی خود را به مدیر کل تکافل ارائه کند و تمام اسناد و مدارک خود را از جمله اظهارنامه و غیره را به این مرجع تسلیم کند که به نظر می‌رسد همان ماده ۳۸ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری نیز در اینجا حاکم باشد. منتها مسئله‌ای که می‌ماند کتبی بودن تقاضاست که نشان دهنده تشریفات بودن تأسیس بیمه تکافل است که البته به دلیل آن که عقدی وجود ندارد بنابراین مسئله‌ساز نخواهد بود. و این مطلب منطقی است و تابع مقررات دیگر تأسیس شرکت‌های بیمه‌ای است.

مطلب بعدی آن است که طبیعتاً هر شرکتی بخواهد شخصیت حقوقی داشته باشد باید دارای نام باشد و نباید نام او نیز مشابه نام شخصیت‌های دیگر باشد و این مطلب در بند ۴ ماده ۸ این قانون توضیح داده شده است.

شرایط اساسی ثبت شرکت تکافلی

در بند ۵ ماده ۸ قانون تکافل مالزی ۲ شرط را برای ایجاد هر شرکت تکافلی لازم می‌داند. اولین شرط اساسی عدم مغایرت اهداف هر شرکت تکافلی با اهداف مصوب شورای اسلامی می‌باشد منظور از این شرط آن است که اهدافی که هر شرکت تکافلی در اساسنامه خود می‌آورد نباید مغایرتی با اهدافی که شورای فقهی یا شورای اسلامی بیمه تکافلی تصویب شده است داشته باشد؛ این مورد مثل اصل چهارم قانون اساسی ایران می‌باشد که مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره اینها باید براساس موازین اسلامی باشند این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است.» بنابراین نیازی نیست که اهداف در برنامه‌های شرکت تکافلی موافق قواعد شریعت یا شورای فقهی باشد بلکه همین که مغایرتی با شرع نداشته باشد کافی خواهد بود بعد از آن که اساسنامه شرکت به مدیرکل بیمه تکافل تسلیم می‌شود باید مدیرکل تمام آن را مطالعه کرده و شرط اول مذکور را رعایت کند و در صورت وجود مغایرت جواز آن را صادر نکند. شرط دوم؛ باید کمیته ناظر فقهی در شرکت پدید آید و این شورای پیشنهادی از سوی آن شرکت به تصویب مدیرکل بیمه تکافل برسد تا بر اعمال آن بیمه‌گر تکافلی نظارت کند. تا این کمیته تضمین کننده عدم فعالیت شرکت بیمه مذکور در جهت خلاف موارد وسائل کمیته شرعی کل باشد.

اما راجع به شرط اول در ایران باید گفت که لزومی به آوردن آن در قانون تکافل نخواهد بود زیرا همان‌طور که بیان شد اصل چهارم قانون اساسی به آن اشاره کرده است ولی این که مدیر تکافل باید آن را از لحاظ شرعی مورد بررسی قرار دهد می‌توان این را اضافه کرد که کمیته فقهی تشکیل شده در بیمه مرکزی مسئول این زمینه خواهد بود و باید به تصویب این کمیته برسد.

اما راجع به شرط دوم همان‌طور که بیان شد نیازی به ایجاد چنین کمیته‌ای در هر شرکت تکافلی نخواهد بود مگر آن که کمیته فقهی بیمه مرکزی چنین تشخیصی دهد و اگر این کمیته چنین تصمیمی اخذ کند به نظر می‌رسد باید تمایزی میان این‌نوع از شرکت‌ها و شرکت‌های بیمه‌ای مرسوم قائل نشود مگر آن که دلیل موجهی برای این منظور آورد.



ارجاع مدیرکل تکافل به وزیر مربوطه

بعد از آن که شرایط دوگانه مذکور در بند قبل رعایت شده و به تأیید مدیر کل بیمه‌های تکافلی رسید، طبق بند ۶ م ۸ قانون تکافل مالزی به وزیر مربوطه ارجاع داده خواهد شد تا به تأیید نهایی آن مرجع برسد. حال اگر وزیر مربوطه آن را تأیید نکند آن شرکت مجوزی برای ثبت نخواهد داشت و طبیعتاً به ثبت نخواهد رسید. اما این پروسه در ایران می‌تواند این گونه پیشنهاد شود که ابتدا درخواست به بیمه مرکزی داده شود و بعد از بررسی کمیته فقهی در بیمه مرکزی و تأیید آن مرجع، به رئیس کل بیمه مرکزی ارجاع داده شده و با تأیید آن مرجع شرکت بیمه تکافل به فعالیت خود مبادرت ورزد همان‌طور که قبلاً هم گفته شد اگر مجوز شرکت تکافل به تأیید نهایی نرسد نمی‌توان پذیرفت که آن شرکت شخصیت حقوقی پیدا نکرده است بلکه باید آن را به استناد م ۲۲۰ قانون تجارت شرکت تضامنی محسوب کرد و مسئولان آن شرکت را به مجازات مقرر مذکور رساند.

بعد از آن که وزیر مربوطه در مالزی و به نظر ما رئیس بیمه مرکزی در ایران لزوم تأسیس چنین شرکتی را صادر کرد، تأییدی آن به مدیر کل بیمه تکافل خواهد رسید و سپس مدیر کل تکافل با اخذ تأییدی حسابداری عمومی (که ناظر بر آن خواهد بود که آیا ودیعه مذکور در این قانون و یا سرمایه اولیه هر شرکت تکافلی که طبق قانون تعیین می‌گردد تسلیم شده است یا نه؟) اجازه ثبت آن شرکت را صادر خواهد کرد و طبیعتاً بعد از ثبت طبق بند ۷ م ۸ قانون تکافل مالزی باید در روزنامه رسمی منتشر گردد. شرط دیگر هر شرکت تکافلی آن است که سالانه مبلغی را که توسط وزیر مربوطه یا مدیر کل بیمه مرکزی تعیین می‌گردد به آن مرجع به عنوان حق ثبت بپردازد که از لحاظ اصولی می‌توان تمديد ثبت آن شرکت از سوی سازمان بیمه مرکزی محسوب کرد. نکته‌ای که قابل ملاحظه است آن است که طبق م ۹ قانون تکافل مالزی این مبلغ سالیانه برای هر نوع تکافل متفاوت است و این مورد باید لحاظ گردد.

شروط فرعی ثبت شرکت تکافلی

شرط اول: شروط تحمیلی

مدیرکل تکافل این حق را دارد که در هر زمانی شروط تحمیلی‌ای را بر تمام شرکت‌ها بار کند تا همه آن شرکت‌ها به آن شروط تحمیلی عمل کنند و در صورت استنکاف از اجرای آن شروط، طبق م ۱۰ قانون تکافل مالزی مستنکف به مجازات مقرر در این ماده خواهد رسید. بنابراین شروط مذکور ضمانت اجرای کیفری داشته و باید طبق قواعد مسئولیت مدنی خسارات موجهه را جبران کند. حال طبق چه مبانی‌ای مدیرکل تکافل می‌تواند شروطی را به صورت تحمیلی بر شرکت‌های تکافلی بار کند؟ اولاً گفته شد که اعطای مجوز از سوی مدیر کل تکافل به معنای ایجاد عقد نیست بلکه اعطای مجوز است و از لحاظ تحلیلی می‌توان آن را رضا دانست و در صورت عدم وجود چنین رضایتی، شخصیت حقوقی متشکله، شخصیت حقوقی کاملی را نخواهد داشت؛ البته نمی‌توان چنین شخصیت حقوقی را تشکیل نشده پنداشت زیرا همان‌طور که گفته شد طبق م ۲۲۰ قانون تجارت این گونه شرکت‌ها باید تضامنی محسوب شوند و عدم وجود مجوز از سوی اداره‌ای نافی شخصیت حقوقی آن شرکت نخواهد بود. از سوی دیگر عمل نکردن به شروط تحمیلی نیز نافی این شخصیت حقوقی نخواهد بود.

حال بر مبنای چنین شروطی می‌تواند بر شرکت‌های تکافلی تحمیل گردد؟ اگر گفته شود که شرط دادن اجازه از سوی مرجع مزبور می‌باشد اگر چنین شرطی عمل نشود اجازه نیز از بین خواهد رفت که استدلال اشتباهی است زیرا گفته شد که ضمانت اجرای شروط تحمیلی تنها ضمانت اجرای کیفری است و دخلی بر اجازه صادر نخواهد داشت؛ ولی می‌توان پذیرفت که شرط اجازه متصور می‌شود و اگر به چنین شروطی عمل نکرده صرفاً مجازات و مسئولیت مدنی پیامد آن خواهد بود. بنابراین از لحاظ تحلیلی قانون‌گذار می‌تواند چنین اجازه‌ای را دهد که مقام مسئول شروط اجباری را در هر زمان ممکن بر بیمه‌گر



تکافلی تحمیل کند؛ منتها اشکالی می ماند و آن که یکی از شرایط شروط آن است که مبهم نباشد و در حالی که به طرف دیگر این اجازه داده شده است که رضایت خود را مشروط به شروطی کند که مبهم است؛ ولی این سخن شاید درست نباشد زیرا شرط خود نوعی قرارداد است در حالی که قراردادی مابین شرکت تکافلی و مرجع مزبور منعقد نمی شود؛ اگر ضمانت اجرای چنین شروطی، لغو مجوز باشد می توان آن سخن را قبول کرد ولی چون ضمانت اجرای این شروط صرفاً کیفری است بنابراین می توان صحت این شروط را پذیرفت؛ همچنان که قانون گذار این اراده را خواهد داشت که در هر زمان ممکن، برای عملی جرم انکاری کند و این مشکلی را پدید نخواهد کرد اما اگر ضمانت اجرای آن شروط، لغو مجوز باشد شاید به گونه ای دیگر بتوان استدلال کرد که رضای حاصله هم علت محدثه می خواهد و هم علت مبقیه. رضای حاصل در ابتدای تشکیل شرکت صرفاً علت محدثه وجود شرکت تکافلی یا اجازه اولیه آن شرکت در عضویت یافتن در زمره سایر شرکت های تکافلی است ولی علت مبقیه چنین رضایتی در هر لحظه ای از سوی مدیر کل صادر می شود و اصل هم بر وجود چنین علتی بعد از وجود علت محدثه می باشد مگر آن که دلیلی بر نفی آن پدید آید. حل شروط تحمیلی، شروط صدور علت مبقیه بعد از وجود چنین شروطی می باشد که عدم رعایت آنها باعث لغو مجوز خواهد بود؛ بنابراین اگر هم چنین ضمانت اجرایی در قانون ایران گنجانده شود مشکلی از لحاظ تحلیل حقوقی و فقهی نخواهد داشت.

شرط دوم: اختیار تام در وجود شرط ثابت

به موجب بند اول ماده ۱۰ قانون تکافل مالزی به مدیر کل تکافل اختیار تام داده شده است که شروط موجود در ثبت هر شرکت تکافلی را فسخ کند یا شرطی را اضافه کند و یا آن شرط را تغییر دهد. به نظر می رسد براساس نظریات گفته شده در جای خود صحت چنین شرطی نیز تأیید شود؛ منتها سؤالی که پدید می آید آن است که آیا این شروط صرفاً در مرحله ثبت شرکت مجری خواهند بود و یا بعد از ثبت نیز مدیر کل می تواند آن شروط را تغییر دهد؟ به نظر می رسد بر اساس ضمانت اجرای مقرر در بند دوم ماده ۱۰ قانون تکافل مالزی که عنوان عامل یا متصدی را برای بیمه گر تکافلی بیان کرده است و در ابتدای قانون نیز این عنوان را به شخصی اطلاق می کند که شرکت یا مؤسسه ای باشد که فعالیت تجاری را انجام دهد و از شخصیت حقیقی سخن به میان نمی آورد، باید مسئله را راجع به ثبت شرکت از هیئت مجوز اعطای شخصیت حقوقی متصور نشد بلکه وجود مجوز انجام فعالیت های تکافلی را مورد نظر قرار داد.

لغو مجوز شرکت های تکافلی

لغو مجوز شرکت های تکافلی بر عهده مدیر تکافل است در حالی که در نظام حقوقی ایران اگر نصب سمت و صدور مجوز از سوی مرجع اداری صورت پذیرد عزل آن مقام منصوب و لغو مجوز او از سوی او غیر قانونی بوده مگر آن که نصی راجع به اختیار آن مرجع در قانون وجود داشته باشد. این نص در قانون تکافل وجود دارد و مدیر کل تکافل بر اساس ماده ۱۱ قانون تکافل مالزی استقلالاً حق لغو مجوز شرکت تکافلی را در شرایط خود خواهد داشت. مدیر کل تکافل در موارد زیر می تواند مجوز شرکت تکافلی را ملغی اعلام کند:

الف) مغایرت اهداف

اگر شرکت تکافلی اهدافی را دنبال کند یا اعمالی را مرتکب شود در حالی که در آن ها موردی یافت شود که مصوب و مورد تأیید هیئت شریعت نباشد و مدیر کل آن را تشخیص دهد می تواند مجوز آن شرکت را ملغی اعلام نماید. حال سؤال آن است که آیا مغایرت با اهداف مانع است یا همسو نبودن اهداف با اهداف هیئت شریعت مانع است؟ به نظر می رسد در بند اول ماده یازده قانون مذکور همسو نبودن مانع است و این مسأله قابل تأمل است؛ زیرا در نظام حقوق ایران مغایرت نداشتن مانع است زیرا دایره اختیار مکلف در اباحه بلاقتضا با فرض عدم مغایرت آن با قواعد شرع غیر محدود است در حالی که این دایره اختیارات برای مکلف غیر شیعیه با محدودیت مواجه است و به همین علت است که بند اول ماده مذکور چنین مقرر شده است.



«مدیر کل تکافل می تواند در موارد زیر دستور لغو مجوز شرکت تکافلی را به صورت کلی یا در فعالیت های خاصی از تجارت صادر کند:

الف) مواردی در اهداف آن شرکت تکافلی باشد یا آن شرکت تکافلی مواردی را اجرایی کرده باشد که آن موارد مورد تأیید شرع نباشد...» پر واضح است که موارد شرع را همان کمیته شرعی در شرکت های تکافلی تشخیص خواهد داد. اما در این مورد ممکن است که میان کمیته شرعی شرکت و هیئت مدیره شرکت تبانی صورت گیرد؛ در این صورت کمیته شرعی کل که در بانک مرکزی مالزی وجود دارد مشخص این مطلب می باشد که آیا این مورد موافق با شرع می باشد یا نه؟

در ایران نیز می توان این مورد را پیش بینی کرد که اگر قائل به ضرورت وجود کمیته شرعی در شرکت های تکافلی باشیم باید در این مورد بیان کرد که در صورتی که تبانی میان کمیته شرعی و هیئت مدیره شرکت پدید آید تنها مرجع تشخیص خلاف شرع بودن مسئله، کمیته فقهی بیمه مرکزی خواهد بود.

ب) عدم فعالیت یک ساله

به موجب بند دوم ماده ۱۱ قانون مذکور اگر بعد از ثبت شرکت مذکور یک سال (۱۲ ماه) بگذرد و شرکت هیچ گونه فعالیت اقتصادی نداشته باشد مدیر کل تکافل حق لغو مجوز آن شرکت را خواهد داشت.

ج) توقف از فعالیت

اگر شرکت تکافلی از فعالیت خود باز ایستد مدیر کل حق لغو مجوز آن را خواهد داشت زیرا فعالیت تکافلی از جمله فعالیت های مستمر است. اما این که شرایط آن چگونه خواهد بود و در صورتی که این توقف حاصل شرایطی باشد که دولت مقرر کرده است و یا زمانی باشد که فورس ماژور در میان باشد قابل تأمل خواهد بود. البته فرق است میان بند سوم و بند دوم که در بند دوم هیچ گونه فعالیت اقتصادی ندارد و در بند سوم فعالیت تکافلی خود را متوقف کرده است و دیگر بیمه نامه تکافلی را نمی فروشد و یا در مورد شرکت های تکافل اتکایی دیگر به آن ها خدماتی را ارائه نمی کند. یا همان طور که در ابتدا بیان شد انواع شرکت های تکافلی که WTO یا Bancatakaful می باشد فعالیت تکافلی خود را متوقف سازند در این حالت مجوز آن توسط مدیر کل تکافل باطل خواهد شد.

د) عدم تأمین ذخیره فنی

بر اساس بند چهارم ماده ۱۱ قانون مالزی، اگر شرکت تکافلی نتواند در مدت فعالیت خود ذخیره فنی ایجاد کند و آن را حفظ کند قطعاً مدیر کل حق لغو مجوز او را خواهد داشت.

ه) تخطی از دستور

بر اساس بند پنجم ماده ۱۱ قانون مذکور در صورتی که شرکت تکافل از دستورات صادره از مدیر کل تکافل در مورد رفع نقص صندوق تکافلی تخطی نماید این مقام اختیار لغو مجوز این شرکت را خواهد داشت. این صندوق تکافل که از اشتراک حق بیمه های گذاران تکافل و توسط بیمه گر تکافلی ایجاد شده است به وجود می آید.

به دلیل آن که شرکت تکافلی از شخصیت حقوقی برخوردار است همچون سایر اشخاص نیازمند دارایی است و برای این دارایی باید حسابی را باز کند که این حساب از حساب صندوق واحدی را که همان شرکت برای فعالیت تکافل ایجاد کرده است متمایز می باشد تا تمامی حق بیمه های دریافتی بر اساس ماده ۱۶ وارد این صندوق تکافل گردد. بر اساس این ماده باید تمام درآمد های حاصل از این صندوق نیز وارد همین صندوق گردد. تمام دارایی های منفی نیز همچون بدهی های شرکت



در مورد صندوق مذکور و هزینه هایی که در آینده قرار است از این صندوق برداشت شود نیز باید در این صندوق به ثبت برسد.

بر اساس بند سوم ماده مذکور در مورد تکافل خانواده این مطلب مهم است که هیچ سهم و مبلغی از این صندوق به بیمه گذار داده نخواهد شد مگر آن که آمار مصوب و مورد تأیید آن توسط شرکت ارائه شده باشد و به اندازه ذخیره فنی و دارایی های منفی دیگر در شرکت موجودی وجود داشته باشد وگرنه هیچ سودی به بیمه گذار داده نخواهد شد. بر اساس بند آخر این ماده حتی پس از توقف عملیات این شرکت تکافلی بر عامل شرکت تکلیف شده است که این صندوق را حفظ و نگهداری کند تا تصفیه کامل شرکت انجام شود.

شرایط دارایی صندوق تکافل

طبق ماده ۱۷ قانون مذکور دارایی شرکت تکافلی باید مجزا از مبالغ و دارایی خود شرکت (عامل تکافل) باشد زیرا مجوزی که اعطا می گردد خود ایجاد شخصیت مستقل می کند و در واقع عامل این شخصیت حقوقی یک شرکت یا شخصیت حقوقی دیگر می گردد که همچون متولی امور وقف موقوفه که شخصیت حقوقی مستقل دارد تولیت این شخصیت را بر عهده می گیرد.

شرط دیگر دارایی شرکت تکافلی آن است که باید مجزای از مبالغ یا اوراق بهاداری باشد که در این قانون ودیعه نام گذاری شده است.

شرط بعدی این دارایی آن است که نباید این دارایی کمتر از هشتاد درصد دارایی استاندارد باشد که در این قانون مقرر شده است. البته شرایط و ضمانت اجراهای دیگر آن در آینده مورد بررسی واقع خواهد شد. حال ممکن است این صندوق با کسری مواجه شود و در این صورت باید این شرکت به این صندوق تکافل که شخصیت حقوقی دارد قرض الحسنه دهد؛ حال اگر این عمل قرض الحسنه با دستور مدیر کل تکافل صورت گیرد و این شرکت تخطی نماید از موجبات لغو مجوز این شرکت خواهد بود.

و) ورشکستگی

بر اساس بند ششم ماده مذکور در صورتی که شرکت تکافل ورشکسته شود و یا قرارداد ارفاقی میان او و بستانکاران منعقد شود و یا پیشنهاد این کار از سوی شرکت به بستانکاران داده شود مدیر کل تکافل اختیار لغو مجوز آن شرکت را خواهد داشت.

ز) اضرار به صندوق تکافل

بر اساس بند هفتم ماده مذکور در صورتی که شرکت تکافل فعالیت تجاری مضر به صندوق تکافل انجام دهد و یا فعالیتی را انجام دهد که مضر بر سود شرکت تکافل باشد در این صورت مدیر کل تکافل حق خواهد داشت تا مجوز این شرکت را باطل کند.

ح) عدم توانایی اجرای تکالیف

بر اساس بند هشتم ماده ۱۱ قانون تکافل در صورتی که شرکت تکافل قادر بر انجام تکالیف محوله قانونی نباشد مدیر کل تکافل اختیار لغو مجوز فعالیت تکافل را خواهد داشت. تکالیف شرکت تکافلی در ماده ۴ این قانون احصا شده است که در زیر به آن اشاره می کنیم:



وظایف شرکت‌های تکافلی

ماده ۴ قانون تکافل مالزی به وظایف شرکت‌های تکافلی می‌پردازد؛ طبق این ماده هیچ شرکتی نمی‌تواند به فعالیت تکافلی بپردازد مگر آن که: الف) طبق مواد این قانون تأسیس شود. ب) هر شرکت تکافلی باید به جز دارایی خود، به اندازه مسئولیت‌های مالی خود دارایی در صندوق جدایی داشته باشد و این در هر زمانی مشخص خواهد شد. توضیح آن که علاوه بر دارایی موجود در شرکت، هر شرکت تکافلی باید صندوق جدا را به عنوان صندوق بدهی و یا دارایی منفی خود داشته باشد و به اندازه دارایی منفی خود، در این صندوق دارایی مثبت داشته باشد و البته طبق ماده چهارم این قانون هیچ منفی وجود ندارد که دارایی در این صندوق غیرنقدی باشد. البته طبق بند ۳ ماده ۴ قانون تکافل مالزی این دارایی باید نقدی یا تأمیننی برای آن باشد. یعنی نیازی نیست که دارای غیرنقدی داخل این صندوق وارد شود بلکه تأمین نیز برای آن کافی خواهد بود و می‌دانیم که نیازی نیست تأمین مربوطه دارایی شرکت باشد و چون تأمین مربوطه به صورت مطلق آورده شده است می‌توان هر نوع ضمانتی را به عنوان این تأمین قبول کرد. باید خاطرنشان کرد که قواعد راجع به دارایی لازم برای تشکیل شرکت نیز طبیعتاً طبق قانون تجارت خواهد بود.

بر اساس بند سوم ماده چهارم این قانون، سرمایه اولیه برای تشکیل شرکت تکافلی نیز طبق قانون شرکت‌ها خواهد بود که در قانون تجارت نیز به آنها اشاره شده است.

طبق بند چهارم ماده چهارم این قانون، بعد از آن که شرکتی تأسیس شد می‌تواند جزء جامعه تکافل در کشور محسوب شود. در واقع تا وزیر مربوطه با هیئت دولت با تأسیس شرکت تکافل موافقت نکند هیچ شرکتی به صنف تکافل کشور اضافه نخواهد شد.

طبق بند ۴ ماده ۴ قانون تکافل مالزی دارایی‌های شرکت (مثبت و منفی) در زمان‌های مشخص باید ارزیابی شوند و همچون شرکت‌های تجاری نخواهد بود که صرفاً ارزیابی و تقویم دارایی در ابتدای تأسیس شرکت لازم باشد بلکه در هر زمانی که قانون تعیین می‌کند باید این ارزیابی صورت گیرد.

اما ضمانت اجرای ماده ۴ مذکور در بند پنجم این ماده ذکر شده است که مجازاتی برای خاطی در نظر گرفته شده است؛ بنابراین اگر مثلاً مدیر شرکت یا مدیران شرکت تکافلی اضافه‌ای از دارایی خود در صندوقی ذخیره‌سازی نکنند مجرم شناخته شده و به مجازات این ماده می‌رسند، ولی این نظر قابل انتقاد است؛ زیرا هر جرمی عناصر خود را دارد و به نظر می‌رسد که علم و عمد در این ماده نداشته باشد و جرم مذکور در این ماده، مادی در نظر گرفته شده باشد بلکه باید جرم مذکور را همچون سایر جرایم دارایی عنصر معنوی دانست و در صورتی که تکلیف مالا یطاق نیز نباشد خاطی را مجازات کرد. اما کسانی که شرکت تکافلی تأسیس می‌کنند ولی طبق قانون تکافلی مالزی شرکت خود را به ثبت نرسانند به مجازات ماده پنجم خواهند رسید. بنابراین این که شرکتی با هر مشکلی بخواهد فعالیت تکافل انجام دهد باید طبق این قانون به ثبت برسد.

حال سؤال آن است که آیا شرکت مذکور می‌تواند فعالیت‌های دیگر را نیز انجام دهد یا فعالیت اصلی او باید تکافل باشد؟ به نظر می‌رسد هر شرکتی که شخصیت حقوقی داشته باشد و خود را به نام شرکت تکافلی معرفی می‌کند یا یکی از فعالیت‌های خود را به اعمال تکافلی اختصاص می‌دهد مشمول ماده پنجم خواهد بود و مدیران این شرکت به مجازات آن ماده خواهند رسید. بنابراین نیازی نیست که حتماً جمعی به فعالیت تجاری تکافل مبادرت ورزند در حالی که شخصیت حقوقی نداشته باشد بلکه حتماً اگر شخصیت حقوقی نیز داشته باشند باز هم به مجازات مذکور خواهند رسید اما این که چه مسئولی از شرکت مجازات خواهد شد، به نظر می‌رسد مدیرعامل و مدیران شرکت که در رأس امور هستند بیشترین احتمال مجازات را خواهند داشت و اصل بر آن است که این افراد آگاهی از اعمال خود دارند و مجازات ناظرین و سایرین باید به اثبات برسد.



اما در مورد معاملات بیمه‌ای این شرکت که قبل از محکومیت و مجازات با سایرین انجام می‌شود چه حکمی خواهد داشت؟ از سویی می‌توان چنین استدلال کرد که نهی دلالتی بر فساد نمی‌کند و معاملات مذکور باید صحیح باشد؛ زیرا این که فرد مجازات می‌شود نهی مولوی بوده و دلالتی بر نفی ارکان معامله و آثار آن ندارد تا باعث بطلان معامله باشد. بنابراین طبق اصول باید معاملات مسبوق صحیح باشد. از سوی دیگر می‌توان چنین استدلال کرد که طرفین هر عقد بیمه تکافلی باید دارای شخصیت حقوقی باشد و بیمه‌گر تکافلی باید دارای صندوق تبرع و صندوق‌های دیگری برای کارهای تکافلی باشد و چون عنصر تبرع نیز در آن عقد وجود دارد شخصیت متکافل و بیمه‌گر تکافلی از اهمیت بسزایی برخوردار است و به نظر می‌رسد اگر شرکت بیمه‌گر مذکور شخصیت حقوقی نداشته باشد تکافل مورد نظر باطل خواهد بود؛ زیرا اشتباه در شخصیت پدید آمده و عقد مزبور باطل خواهد بود.

ولی می‌توان این نظر را رد کرد زیرا فرض کنید متکافل با علم به نداشتن شخصیت حقوقی با بیمه‌گر تکافلی عقد را منعقد سازد آیا باز هم می‌توان عقد مزبور را باطل دانست، ثانیاً گفته شد که ممکن است شرکتی شخصیت حقوقی داشته باشد ولی طبق ضوابط مقرر قانون تکافل به ثبت نرسیده باشد؛ بنابراین ارکان عقد تکافل کامل است و قصد طرفین نیز وجود دارد منتها مجازات مقرر در ماده ۵ قانون تکافل مالزی وجود دارد که در این مورد نهی دلالتی بر فساد نخواهد داشت؛ اما اگر شرکتی به معامله تکافل مبادرت ورزد و خود را به عنوان بیمه‌گر تکافل معرفی کند آیا معامله انجام شده به علت اشتباه در شخصیت طرف باطل است یا خیر برای متکافل وجود خواهد داشت و یا ضمانت اجرایی نخواهد داشت و صرفاً از باب مسئولیت مدنی می‌توان بیمه‌گر را ضامن دانست؟

از سویی وجود قصد تبرع و سیاق مواد قانون تکافل مالزی حاکی از آن است که شخصیت بیمه‌گر تکافلی مهم است و باید بطلان این معامله را مفروض دانست و از سویی این قانون معاملات تکافلی را در ردیف معاملات بازرگانی جای داده است و می‌دانیم که در غالب معاملات بازرگانی شخصیت طرفین اهمیت چندانی ندارد و باید معاملات انجام شده را صحیح دانست مگر آن که در تکافل خانواده بتوان با مطالب نگذشته استدلال کرد که شخصیت طرف مهم بوده و معامله مزبور باطل خواهد بود که این هم طبق ماده ۳ این قانون مخدوش است زیرا نص این ماده دلالت بر تجاری بودن این معاملات دارد. بنابراین با این استدلال می‌توان نظر داد که معاملات بیشتر از آن که به ضرر بیمه‌گر باشد به ضرر متکافل خواهد بود؛ بنابراین اگر همین قانون در ایران به تصویب رسد به نظر می‌رسد استناد به ماده ۲۲۰ قانون تجارت و تضامنی دانستن این شرکت بهترین راه حل برای ما خواهد بود و کاملاً به سود متکافل خواهد بود.

اما اگر شرکتی که هنوز تشکیل نشده است و مبادرت به فعالیت تکافل کند به دلیل آن که شخصیت حقوقی نخواهد داشت از مشمول ماده ۵ این قانون خارج خواهد بود و مشمول ماده ۶ خواهد بود که مجازات کمتری برای آن در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد این مجازات‌ها ضمانت اجرایی کیفری هستند و شامل تمام افرادی که مبادرتاً به آن عمل مبادرت کرده‌اند خواهد شد ولی ضمانت اجرای حقوقی آن همان شرکت تضامنی دانستن است که بهترین ضمانت اجرا خواهد بود اما مرجعی که تشخیص دهند و شاکی آن خواهد بود صرفاً مقام مدیر کل شرکت‌های تکافلی خواهد بود.

بنابراین طبق م ۷ قانون تکافل مالزی تنها مرجعی که می‌تواند از شرکت مذکور شکایت کند مدیر کل شرکت‌های تکافلی خواهد بود. بنابراین مثل قانون تجارت ایران نخواهد بود که هر ذی‌نفعی بتواند از سازوکار شرکت خود به مرجع دادرسی شکایت کند؛ ولی به نظر می‌رسد این منطقی نباشد زیرا اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند و هر چند در این قانون مرجعی که اختیارات تمام در زمینه نظارت بر شرکت‌های تکافلی را دارد ولی باعث نمی‌شود که ذی‌نفعان نتوانند به مرجع دادرسی مراجعه کنند. مجازات‌های مقرر در مواد ۵ و ۶ نیز مطلق بیان شده است و فارغ از مرجع شاکی خواهد بود.

براساس ماده ۷ قانون تکافل مالزی نیز به دلیل آن که مدیر کل شرکت‌های تکافل اختیارات تام راجع به نظارت بر اعمال شرکت‌های تابعه خود دارد، اگر مدیر کل از شرکتی تقاضا کند که دفاتر و اسناد خود را به این مرجع تسلیم کند و آن شرکت



از این کار استنکاف کند به مجازات مقرر در ماده ۷ خواهد رسید. اما مسئله حائز اهمیت است آن است که مدیر کل شرکت‌های تکافلی این اختیار را دارد که از هر شرکتی که مظنون به انجام فعالیت تکافل است تمام اسناد او را درخواست کند تا مورد بررسی قرار دهد و این مسئله باعث تزلزل شرکت‌های غیر تکافل خواهد شد به طوری که صرفاً مدیر کل بورس چنین اختیاری را دارد؛ بعضی از شرکت‌ها نیز از دادن اسناد معذور خواهند بود و نمی‌توانند به غیر از مدیر کل بورس و مراجع دادرسی می‌دهند؛ بنابراین به نظر می‌رسد در ایران یا باید شرکت‌های تکافلی را نیز در زمره شرکت‌های دیگر در مرجع ثبت شرکت‌ها و سازمان بورس دانست و یا مرجع هر دو گروه یک شخص دانست و یا در مورد شرکت‌های غیر تکافلی به این مطالب اشاره کرد که مرجع مدیر کل شرکت‌های تکافلی ابتدا درخواست خود را به مرجع دادگستری و یا مرجع عالی سازمان بورس اوراق بهادار و یا مرجع عالی ثبت شرکت‌ها اعلام کند و سپس با موافقت آن مرجع، اسناد و مدارک درخواستی وی به او داده شود.

ط) تکافل اتکایی نارضایت بخش

بر اساس بند هشتم ماده ۱۱ قانون تکافل، اگر شرکت تکافل به صورت رضایت بخشی نتواند فعالیت‌های خود و صندوق تکافل را تکافل اتکایی نماید، مدیر کل تکافل اختیار لغو مجوز تکافل آن شرکت را خواهد داشت. عبارت نامفهوم این ماده «رضایت بخش بودن تکافل اتکایی» است که می‌توان گفت مشخص آن تنها مدیر کل تکافل است؛ اما این که چه عواملی باعث رضایت این مقام می‌گردد در ماده ۱۷ و ۲۳ این قانون ذکر شده است که در موضوع این مقاله نمی‌گنجد.

نکته بعدی در این بند آن است که به دلیل آن که شرکت‌های بیمه اتکایی باید شرکت‌های کلان اقتصادی باشند بنابراین در عمل شرکت‌های تکافل اتکایی به ندرت یافت می‌گردد و معمولاً شرکت‌های تکافل خود را در شرکت‌های بیمه گر اتکایی بیمه می‌کنند و نیازی به تکافل اتکایی نخواهد بود. بنابراین عبارت «تکافل اتکایی» در این زمان مفهوم چندانی ندارد؛ به علاوه آن که در صورت راه اندازی شرکت‌های تکافل در ایران، شرکت‌های تکافل می‌توانند خود را بیمه اتکایی نمایند و نیازی به تکافل اتکایی نخواهد بود.

ی) تخلف و محکومیت

بر اساس بندهای نهم و دهم اگر شرکت تکافلی مقررات قانون تکافل و دستورات مدیر کل تکافل را نقض نماید یا برای یکی از مدیران این شرکت، محکومیت جزایی در مورد فعالیت تکافلی صادر شود، مدیر کل تکافل اختیار لغو مجوز تکافل آن شرکت را خواهد داشت.

ک) اطلاعات نادرست دارایی

بر اساس بند یازدهم ماده ۱۱ قانون تکافل مالزی، اگر شرکت تکافل در هنگام ثبت خود، اطلاعات نادرستی در مورد دارایی خود بیان کند مدیر کل تکافل اختیار لغو مجوز فعالیت این شرکت را خواهد داشت.

ل) مصالح عمومی

بر اساس بند دوازدهم ماده ۱۱ قانون مالزی، در صورتی که مدیر کل تکافل مصلحت عمومی را در لغو مجوز شرکت تکافلی در خطر ببیند می‌تواند مجوز آن شرکت تکافلی را باطل نماید. البته تشخیص مصلحت همیشه به همراه استدلال می‌باشد که باید این مقام رعایت آن را نماید.



به مجرد لغو مجوز از سوی مرجع مذکور باید به موجب ماده ۱۲ قانون مذکور این مطلب در روزنامه رسمی کشور اعلام شود و از زمان انتشار آن این شرکت حق فعالیتی نخواهد داشت. اما سرمایه آن شرکت و ذخیره فنی او می تواند پول نقد نباشد و به موجب بند هفت ماده ۱۳ می تواند اسناد و اوراق بهادار باشد و باید در شرکت وجود داشته باشد.

تغییر در نظارت شرکت تکافلی

بر اساس ماده ۳۴ قانون تکافل مالزی، نباید هیچ تغییری در کنترل و نظارت شرکت تکافلی که در مالزی تأسیس و به ثبت رسیده است، پدید آید؛ مگر آن که این تغییر به صورت کتبی مورد تأیید مدیر کل تکافل برسد. حال در بند دوم این ماده معنای کنترل آمده است که بالاجمال همان مالکیت و سلطه بر شرکت است که نباید کنترل آن از ید تصرف آن خارج شود.

مثلاً می توان گفت که نباید بیش از ۵۰ درصد سهام آن شرکت از مالکیت قبلی به دیگری واگذار شود؛ زیرا ممکن است مالک جدید سهام خارجی باشد و یا به صورت حق العمل کاری برای شخص خارجی باشد که ممکن است جنبه نظم عمومی نیز به خود بگیرد؛ زیرا پول های کلانی از این صندوق تکافل برای شخص خارجی خواهد شد که ممکن است با سیاست های اقتصادی آن کشور تطابق نداشته باشد.

عدم صلاحیت مدیران و ناظران

به موجب ماده ۳۱ قانون تکافل مالزی مدیران شرکت های تکافلی و ناظران آن به مجرد ایجاد موارد زیر صلاحیت خود برای سمت مدیریت و نظارت و بازرسی را از دست خواهند داد. از جمله این موارد ورشکستگی آن ها می باشد. البته در ایران مدیریت و نظارت دلیلی بر تاجر بودن شخص نمی باشد ولی از این ماده معلوم می شود در کشور مالزی مدیریت به عنوان تاجر بودن استعمال می شود. پس اگر بخواهیم در ایران این قانون را اجرا کنیم باید عنوان اعسار به جای این واژه استعمال شود.

در صورتی که مدیری یا ناظری از شرایط دارایی شرکت تکافلی به نفع طلبکاران خود استفاده کرده و شرایط را طوری کند که عرفاً این ظن به آن کار ایجاد شود باز هم وی علیرغم عدم اعسار صلاحیت سمت خود را از دست خواهد داد.

یکی دیگر از این موارد محکومیت وی بر کلاهبرداری و خیانت در امانت است که البته نیازمند به حکم قطعی است و می دانیم که بعد از قطعیت یافتن رأی در مرحله تجدید نظر این قطعیت حاصل می شود. ضمانت اجرای این ماده نیز در بند دوم ماده مذکور مقرر شده است که علاوه بر جرم بودن جریمه نقدی نیز در نظر گرفته شده است.

در مورد تعویض مدیر نیز ماده بعدی مقرر می دارد که حتماً ۱۵ روز قبل از آن موظف به اعلام کتبی به مدیر کل تکافل می باشد. در ماده ۳۴ قانون مذکور نیز هر گونه تغییر در مالکیت شرکت های تکافلی باید با تصویب مدیر کل تکافل صورت پذیرد.

اختیار تام بازرسی

مدیر کل تکافل بر اساس ماده ۳۳ قانون تکافل حق و اختیار تام در بازرسی شرکت تکافلی دارد به طوری که اختیار او همچون اختیار دادرس در مورد اسناد شرکت ها می باشد. بنابراین هر زمان که بخواهد با درخواست کتبی می تواند این اسناد را طلب کند. البته بر اساس این ماده نباید این بازرسی خللی در کار شرکت تکافلی ایجاد کند. مدیر کل تکافل هم می تواند اسناد و مدارک را از شرکت تکافلی بخواهد و هم می تواند او را برای پاسخ گویی احضار نماید. در آخر این ماده نیز ضمانت اجرای تخطی آن مسئول را جرم دانسته و او را به جزای نقدی محکوم می کنند.



نتیجه گیری

همان گونه که بیان شد شرکت های تکافلی با روند قانونی و شروط دوگانه مهم خود به ثبت می رسند و در ایران نیز تمام شرکت های بیمه می توانند بالقوه از این فعالیت ها بهره برند و این شرکت های تکافلی تحت نظارت مدیر کل تکافل و کمیته شرعی خود و بانک مرکزی کشور و یا بیمه مرکزی می باشند و در صورتی که خلاف مقررات شرعی و قانونی عمل نمایند مجوز آن ها توسط مدیر کل تکافل باطل خواهد شد. اما در مورد ارجاع مدیر کل تکافل به وزیر مربوطه در ایران می توان گفت که ابتدا درخواست آن ها به بیمه مرکزی داده شود و بعد از بررسی کمیته فقهی در بیمه مرکزی و تأیید آن مرجع، به رئیس کل بیمه مرکزی ارجاع داده شده و با تأیید آن مرجع شرکت بیمه تکافل به فعالیت خود مبادرت ورزد. علاوه بر ضمانت اجرای بطلان مجوز، جرم انگاری بعضی از تخلفات نیز در قانون تکافل مالزی به چشم می خورد که می تواند با نظارت و بازرسی تام الاختیار مدیر کل تکافل صورت پذیرد. در این خصوص می توان به مواردی همچون عدم تمکین مدیران شرکت در افشای اطلاعات برای مدیر کل تکافل و توقف این شرکت ها از فعالیت های تجاری و وظیفه اعلام آن به مدیر کل تکافل و سایر موارد اشاره کرد.

منابع و مأخذ

- ۱- قانون تکافل مالزی مصوب ۱۹۸۴
- ۲- قانون تکافل پاکستان مصوب ۲۰۱۲
- ۳- قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱
- ۴- معصوم بالله، مهد، تکافل کاربردی و بیمه مدرن: قوانین و اصول کاربردی، ترجمه محسن روحانی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، اول، ۱۳۸۹
- ۵- چاضری، محمد صادق، ۱۹۹۵، «بیمه اسلامی (تکافل) مفاهیم و کاربرد»، حبیب میرزایی، مجله بیمه، آپریل می ژوئن
- ۶- محمدصادق چودری «بیمه اسلامی (تکافل): مفاهیم و کاربرد» ترجمه حبیب میرزایی صنعت بیمه سال ۱۴ ش ۵۳ (بهار ۱۳۷۸)
- 7- Simon Archer, Riffat Ahmed Abdel Karim, Volker nienhaus,(2009), Takaful Islamic insurance concepts and regulatory issues, John Wiely and Sons (Asia), Singapore, the First edition.
- 8- Sohail Jaffer, (2007), Islamic Insurance: Trends, Opportunities and the Future Of Takaful, Euromoney Institutional Investor Plc, London, the first edition.
- 9- <http://www.nation.com.pk/pakistan-news-newspaper-daily-english-online/business/06-Sep-2012/window-takaful>
- 10- <http://www.pakqatar.com.pk/family/Products/BancaTakaful.aspx>
- 11- http://www.aitri.org/aic_2011/slide/Bancatakaful%20-%20Complementing%20Conventional%20Insurancev1.pdf